

## نگاهی به فیلم چند تار مو



دارد. اما مهم پایه کار است که در مرحله نگارش فیلمنامه ریخته شده است. هما را تنها از روی هدایتش زنی با هوش، کاری، با اعتماد به نفس و نگران می شناسیم. در آوردن شخصیتی باورپذیر و ملموس از کسی که تنها صدایش از پشت تلفن در فیلم حضور دارد، کاری است کارستان که توفیق در آن نشانه توانایی ایرج کریمی بر ابزار فیلم مکتوب است. فیلمسازی است. نشانه های این سلیقه هنری و ذوق سینمایی در جاهای دیگر فیلم هم هست. بازی ها و بازیگر گزینی عمدتاً خوب و باورپذیر و نیز نشانه های سنجیده اینچا و آنجا بیننده را به خود جلب می کند. اما نقطه ضعف اصلی فیلم این است که داستان مایش ضعیف اند و نمی توانستند سبک های گوناگون را به شکل منسجمی به هم پیوند بزنند.

در هر دو باری که چند تار مو را دیدم، احساس عمومی من این بود که فیلم همین طور که جلو می رود، به جای اینکه از نظر روایی یا تماتیک متمرکز تر شود، مدام میل به واگرایی دارد، مدام پراکنده تر می شود. هم از نظر روایی چنین است و هم از نظر سبکی.

فیلم در بنیاد خود درباره چهار زن است. هر یک از این زن ها داستان خود را دارد. اما جز داستان خود هما و تسلیم او به رابطه با مهندس پیرزاد، باقی داستان ها را در هوا هستند. داستان های سیمیا و بیتا چیزهای دوری باقی می ماند و بیننده نشانه های اندکی برای نفوذ به شخصیت این دو زن و همدمی یا تکراری های آنها پیدا می کند. شخصیت این دختر شاد و بازیگوش که ظاهر آفرار است مظهر خوش بینی و شور جوانانه باشد، چنان طراحی شده که به کم عقلی پهلو می زند. دختری که در اولین تلفنش به مادر نامزدش به او اظهار عشق می کند و بی توجه به اکره او برایش شعر می خواند و او اینکه وقتی نامزدش بعد از شش - هفت سال از زندان آزاد شود، ستنش برای ازدواج مناسب خواهد بود، خوشحال است،



## واگرایی

روبرت صافاریان

صحنه های بعدی او را می بینیم که در کنج انباری خانه شان ناامید نشسته است. در این مرحله از فیلم شخصیت تازه ای پیدایش می شود: پارسا، برادر یگانه، و ما از گفت و گوی آنها می فهمیم

بیش از اینکه شاد و امیدوار جلوه کند، زنی را به جای هما می گیرد و چون توجه می شود اشتباه کرده است، ناگهان صداهای محیط قطع و صدای پای عابران بلند می شود و در

بیش از اینکه شاد و امیدوار جلوه کند، زنی را به جای هما می گیرد و چون توجه می شود اشتباه کرده است، ناگهان صداهای محیط قطع و صدای پای عابران بلند می شود و در

آنها هم بچه های طلاق اند. (در عین حال پارسا در حرف های طعنه آمیزش به یگانه می گوید که همه مردها بدجنس نیستند. این یکی را احتمالاً ایرج کریمی برای این در گفت و گوها آورده است که جریان مافات بکند. کما اینکه همه مردان این فیلم، بدون اینکه در بدجنسی شان غلو شده باشد، در عمق خود خبیث و دربی فریب زان اند.) خوب، این داستان چه دارد، به ما عرضه کند؟ شعرهایی حقیقتاً زیبایی (زنیایی) که بگانه برای خودش و دیگران می خواند، کمک زیادی به آن نمی کند و حتی کار را بدتر می کند، چون معبد می نماید دختری با مشخصات یگانه و سن و سال او چنین شعرهایی بگوید که از خستگی فنی و احساس نیرورمندی خبر می دهند.

در طول فیلم تعدادی از آدمها در خانه های خود یا در محل کارشان از بیرون، از پشت پنجره و از نظر گاهی غیر عادی می بینیم. از دیدگاه یک راوی کل همه چیزان که از بالا به آدم ها نگاه می کند. فرض ساختارهای روایی

اییزوونیک که سرگذشت چند آدم را پی می گیرند، راوی کلی است که بر زندگی همه اشراف دارد. چند تار مو (مانند از کنار هم می گذریم، فیلم قبلی ایرج کریمی) دقیقاً چنین روایتی است. نظاره آدم ها در محیط خانه یا کارشان حس حضور یک ناظر محاط بر همه ماجرا را تقویت می کند. اما عناصر سبکی دیگری که در فیلم مورد استفاده قرار گرفته اند، به انسجام و معنای نوشته دست پیدا نمی کنند.

سوسر اییزوونیک دو تصویر یک آدم بر هم در صحنه های طبیعت یا در صحنه ای که سیمیا جلوی آینه خود رانتماش می کند، به مثابه دخالت مخل فیلمساز، به رخ کشیدن تکنیک و مانع هدلی عاطفی با کاراکترها هستند؛ در سطح زیبا هستند، اما از نظر دراماتیک معنا نمی شوند. برخی حرکات غیر عادی دوربین در لحظاتی اتفاق می افتد که از نظر دراماتیک ارزش زیادی ندارند. به ترومیت زدن کارخانه هم به لحاظ نشان دادن عدم تناسبی که بر زندگی اجتماعی ما سایه افکنده است، طنزی طرفی و آمیخته به خوشننداری دارد.

سوی مهندس پیرزاد در صحنه ترومیت زدن در دفتر کارخانه. این حرکت نظر گیر هیچ توجه دراماتیک ندارد. ایرج کریمی با این قهقهه های هم پیوسته، می خواهد به ما نشان دهد آدمهایی که با تلفن های بی سیم و باسیم به هم وصل شده اند، آدمهایی در پشت فرمان اتومبیل های شان، در حال راه رفتن در طبیعت، پشت میز کارشان یا در حال گردش در طبیعت، همه بدبخت و گرفتارند. تنوع لوکیشن ها دقیقاً این کارگردار دارد که نگاه فیلمساز به آدمهای گوناگون را به نوعی نگاه به زندگی و فلسفه تعمیم دهد. فصل پایانی فیلم در بیمارستان، جایی که دوربین می گردد و مادامی که دیگری را هم می بینیم که با موبایل با تلفن در حال صحبت اند، همین کارکرد تعمیم دهنده را دارد. فیلمساز در این مقام مفسر مستقیماً وارد میدان می شود و حرفش را می زند. این حرف می تازه گی و پیچیدگی دارد، نه از قوت تاثیر گذاری عاطفی نیرورمندی برخوردار است.

وقتی چند تار مو را در جشنواره دیدم، تقریباً مطمئن بودم فیلمساز صحنه گفت و گوی شیرین با میوه فروش را در می آورد. ایسن صحنه با دیالوگ های فکاهی بی ارتباطش به قهقهه های فیلم، مانند آب سردی است بر هرچه فیلم تا آن لحظه خلق کرده است. اما نشانه این صحنه همچنان در نسخه ای از فیلم که در سینما دیدم، بود. اما اجازه بدهید حسن ختام این نوشته اشاره به دو نکته جذاب در فیلم باشد. سعید در ماشینش منتظر سیماسات که پشت آینه به خود خیره شده است که مادر بزرگش زنگ می زند و از جمله می گوید که هوس قروروت کرده است. این موقعیت فوق العاده و دربار آدمهایی با امیال و موقعیت های گوناگون که توسط این دستگاه های ترومیت زدن کارمند مهندس پیرزاد در دفتر کارخانه هم به لحاظ نشان دادن عدم تناسبی که بر زندگی اجتماعی ما سایه افکنده است، طنزی طرفی و آمیخته به خوشننداری دارد.

## یک هفته با هنر

## سینما

روز کارنامه (به کارگردانی سمود کرتی) در سینماهای ناهید، جی، ۲، فلسطین ۲، شهر تماشای ۲، کانون ۲ - تارا و توت فرنگی (سعید سهیلی) - استقلال، شاهد، گلرزی، همین ۲، حافظ، تهران ۲، مرکزی ۲، دهکده المیک و پیام انقلاب - چند تار مو (ایرج کریمی) - فرهنگ ۲، ایران ۲ و فلسطین ۲ - نصف جهان (مرتضی شاملی) - سینه ۲

خوابگاه دختران (محمدحسین لطیفی) - عصر جدید ۱، شروش، شهر فشن، همین ۱، سعیدی، مرکزی ۱، جوان، پیروز، گلرزی ۱، پیوند، قیام، شربین، المپیا، شیدا، فردوسی، پارس ۲ و موزه سینما - هتل (احمدرضا درویش) - آفریقا، بلوار، آستارا، صحرا، آسیا، تهران ۱، شاهد، فلسطین ۱، ملت، اروپا، سپیده، کریستال ۱، جی ۱، مرکزی ۲، فرهنگ ۱ (ایران ۱)

به برون (داوود موقی) - قفس، پارس ۱، عصر جدید ۲، کارون، آسمان آبی، پلینتخت، میلا، توسکا، جمهوری، جی ۲، ایران ۲ و ماندانا - جایی دیگر (مهدی کرم پور) - شهر تماشای

## نگارخانه ها

نگارخانه برگ، نمایشگاه نقاشی و مجسمه «بیزن نعمتی شریف» در سالن شماره ۱ و آثار جمعی ستاره بربرایی و نسورین زندی روان، در سالن شماره ۳ تا ۲۹ آذر تا ۸ دی ماه، ساعت ۹ تا ۱۶، ۱۹ تا ۲۱، ششانی، خیابان ولیعصر، نورسیده به میرامداد، کوچه دامن افشار، شماره ۱۲/۱ - گالری سیخون، آثار نقاشی و مجسمه میرزااحمدی، ۲۷ آذر تا ۱۳ دی ماه، ساعت ۱۰ تا ۱۸ - خیابان خاندانسلیمانولی، کوچه چهارم، شماره ۳۰

گالری شروت، نمایشگاه آثار خوشنویسی حبیب الله بزرگان، ۸ تا ۱۵ آذرماه، ساعت ۱۵ تا ۲۰ - خیابان آفریقا، خیابان بابک مرکزی، اولین بن بست سمت چپ، شماره ۵ -

## ارتقاء

به سطحی دیگر

با تلفن ۲۶۵۰ نوبیا

جدید

نوبیا  
۲۶۵۰

با گوشی تاشو ۲۶۵۰ نوبیا مجهز به صفحه نمایشگر رنگی شفاف، تقویم پیشرفته، یادآوری کننده و سیستم ارسال پیام چند رسانه ای با قیمتی مقرون بصره، سطح کارایی حرفه خود را ارتقا دهید.

• GPRS • جستجوگر XHTML • انتقال سریع اطلاعات، بازیها و برنامه های کاربردی Java™

نوبیا  
ارتباط مردمی